

## تأثیر فرمان آتش به اختیار رهبرانقلاب جمهوری اسلامی ایران در حوزه فکری و فرهنگی

سید عباس قرشی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت

### چکیده

بیانات رهبر معظم انقلاب در تاریخ: ۱۷/۳/۹۶، در جمع برخی دانشجویان و تشکل های دانشجویی و نکات بسیار مهمی که در این دیدار بیان شد توجه های بسیاری را به خود جلب کرد. در این میان آنچه رهبری معظم در مورد مقوله «آتش به اختیار» بیان کردند از اهمیت ویژه ای برخوردار شد و به نظر می رسد که شایسته است این توصیه و نظر رهبری معظم انقلاب مورد تحلیل ویژه و دقت نظر ویژه نیز قرار گیرد. از این رو در مقاله پیش رو ابتدا متن دقیق بیانات رهبری و قرائن حاشیه ای آن مورد توجه قرار گرفته است.

**واژه های کلیدی:** امام خامنه ای رهبر انقلاب اسلامی ایران، آتش به اختیار، اهداف فرمان آتش به اختیار، افسران جنگ نرم.

## ۱. مقدمه

در این پژوهش تلاش شده است که آنچه درسخرانی مقام معظم رهبری آتش به اختیار به آن معنی نیست، در کنار آنچه آتش به اختیار به آن معنی هست، ذکر شود و مورد دقت نظر قرار گیرد رهبر انقلاب در دیدار رضانی با دانشجویان، آنها را به تلاش جدی و همه‌جانبه برای غلبه دادن گفتمان انقلاب در دانشگاه توصیه نمودند. ایشان در ضمن این بحث فرمودند: «من به همه‌ی آن هسته‌های فکری و عملی جهادی، فکری، فرهنگی در سرتاسر کشور مرتباً می‌گویم: هرکدام کار کنید؛ مستقل و به‌قول میدان جنگ، آتش‌به‌اختیار.» این فرمان رهبر انقلاب با واکنشهای گسترده و متفاوتی روبرو شده است با یک بررسی در بیانات رهبر انقلاب طی سه دهه اخیر، هر دو رویکرد با دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای قابل تطبیق نیست. به تعبیر ساده‌تر آنچه از کلام رهبر انقلاب درباره آتش به اختیار برداشت می‌شود، نه یک رویکرد محدود و نه یک رویکرد نامحدود در قلمرو فرهنگی است. برای درک بهتر، ابتدا باید به مفهوم «آتش به اختیار» توجه کرد که قطعاً رهبری با دقت این تعبیر را بکار برده‌اند.

## ۲. تلاش‌هایی برای ایجاد سوء فهم

بلافاصله پس از بیانات رهبری در جمع دانشجویان دانشگاه‌ها به مناسبت ماه مبارک رمضان، فضای مجازی از عبارتی با عنوان «آتش به اختیار» که رهبری در این دیدار به کار برده بودند، پر شد. این مباحث به دیگر رسانه‌ها و فضاهای بحث در میان نیروهای سیاسی جامعه نیز کشیده شد. مطابق معمول جریان‌هایی که از بیرون از نظام خط می‌گیرند و مطابق خواست دشمن مسائل را می‌فهمند و مطرح می‌کنند سریعاً شروع به بیان مطالب بی‌ربط یا تلقی‌ها و تعبیر خلاف در این باره کردند. کسانی هم که دل صافی با نظام جمهوری اسلامی ندارند چه در داخل و چه در خارج، تلاش کردند تا بر سوء تفاهم از این عبارت رهبری بیافزایند و از آن مسائلی استخراج کنند که چنان که ذکر خواهد شد این سخن رهبری معظم از چنین سوء برداشت‌هایی خالی و با توجه به منظومه‌ی فکری و سخنان ایشان در همین رابطه در همان جلسه و در دیگر سخنرانی‌هایشان روشن است.

### رهبری معظم انقلاب دقیقاً چه فرمودند:

پیش از آن که محتوای بیان رهبری را تحلیل کنیم شایسته است ابتدا دقیقاً عبارت‌های رهبری را یک‌بار دیگر با دقت مورد توجه قرار دهیم. عبارت مورد نظر در بیان رهبر معظم انقلاب چنین است:

توصیه‌ی بعدی؛ تلاش جدی و همه‌جانبه برای غلبه دادن گفتمان انقلاب در دانشگاه. نگویید در دانشگاه دیگر نمیشود کاری کرد؛ شغفم این را که بعضی‌ها می‌گویند که «آقا، دیگر در دانشگاه نمیشود کاری کرد»؛ نه آقا، در دانشگاه خیلی میشود کار کرد، اتفاقاً در دانشگاه باید کار کرد. چه کسی باید در دانشگاه کار بکند؟ شما. شما تشکلهای هستید که در دانشگاه باید کار بکنید. البته خطاب بنده در غیر از این جلسه به همه است؛ من به همه‌ی آن هسته‌های فکری و عملی جهادی، فکری، فرهنگی در سرتاسر کشور مرتباً می‌گویم: هرکدام کار کنید؛ مستقل و به‌قول میدان جنگ، آتش‌به‌اختیار. البته در جنگ، قرارگاه مرکزی وجود دارد که دستور میدهد، اما اگر چنانچه رابطه‌ی قرارگاه قطع شد یا قرارگاه عیبی پیدا کرد، اینجا فرمانده دستور آتش‌به‌اختیار میدهد. خب شما افسرهای جنگ نرمید - قرار شد شما افسران جوان جنگ نرم باشید - آنجایی که احساس میکنید دستگاه مرکزی اختلالی دارد و نمیتواند درست مدیریت کند، آنجا آتش‌به‌اختیارید؛ یعنی باید خودتان تصمیم بگیرید، فکر کنید، پیدا کنید، حرکت کنید، اقدام کنید. گاهی اوقات انسان احساس میکند دستگاه‌های مرکزی فکر و فرهنگ و سیاست و مانند اینها دچار اختلالند، دچار تعطیلند؛ واقعاً آدم گاهی اوقات احساس میکند. حالا مثلاً فرض بفرمایید این همه ما مسئله‌ی فرهنگی در کشور داریم، مسائل مهم که شاید من بتوانم ده مسئله‌ی اصلی فرهنگی را بشمارم که اینها دچار مشکل است؛ فرض کنید مسئله‌ی سینما، یک مسئله‌ی مهم است، [یعنی] مسئله‌ی فرهنگی مهمی است که سینمای کشور چه جوری اداره میشود، از کجا پشتیبانی میشود - حالا پشتیبانی خارجی هم پیدا میکنند برای فیلم‌ها اداره‌ی هنر کشور و سینما که چیز

کوچکی نیست؛ مثلاً فرض کنید ده مسئله‌ی این جوری میشود پیدا کرد، وقتی این جوری دستگاه‌های مرکزی اختلال دارند، آن وقت اینجا جای همان آتش به‌اختیاری است که عرض کردم.

### ۳. زمینه‌های فرمان آتش به اختیار رهبر در همان جلسه چه بود؟

شایسته است که برای فهم بهتر عبارات ایشان به سخنان قبل و بعد ایشان در همان سخنرانی نیز توجه کنیم. برای پرهیز از تطویل به خبر تنظیم شده از سوی سایت دفتر معظم له در این باره مراجعه می‌کنیم تا محتوای مطالب قبل و بعد ایشان و جای قرار گرفتن این توصیه را مشاهده کنیم. (مخاطبان را به متن کامل سخنرانی ارجاع می‌دهیم). مطابق این خبر رهبری معظم در میان این مباحث مطلب آتش به اختیار را مطرح کرده‌اند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای، جمعیت جوان و با استعداد، منابع زیرزمینی، موقعیت ویژه جغرافیایی و پیشرفتهای جمهوری اسلامی را از جمله واقعیات مهم کشور دانستند و گفتند: آرمانگرایی یعنی در مقابل موانع و مشکلات، جستجو و راه را پیدا کرد و این کار نیازمند بحثهای اندیشه‌ورزانه است. ایشان در توصیه بعدی به دانشجویان از آنان خواستند که در حوادث گوناگون تلخ و شیرین، «نقش فعال» داشته باشند و همچون «تماشاچی» عمل نکنند. «تلاش جدی و همه‌جانبه برای غلبه دادن گفتمان انقلاب در دانشگاهها» نکته دیگری بود که رهبر انقلاب اسلامی بر آن تأکید کردند و با نادرست خواندن یأس و ناامیدی، گفتند: البته این خطاب، مخصوص دانشگاهها نیست و هر یک از هسته‌های جهاد فکری در سراسر کشور باید در این زمینه به صورت مستقل عمل کنند. حضرت آیت الله خامنه‌ای افزودند: گاهی دستگاههای مرکزی فکر، فرهنگ و سیاست، دچار اختلال و تعطیلی می‌شوند که در این وضعیت، باید افسران جنگ نرم، با شناخت وظیفه خود، به صورت آتش به اختیار، تصمیم‌گیری و اقدام کنند. رهبر انقلاب اسلامی همچنین تشکلهای دانشجویی را به برقرار کردن ارتباط واقعی با مخاطبان از طریق میزگرد، نشریه و بحثهای چند نفره و اکتفا نکردن به فضای مجازی توصیه کردند و در ادامه از آنان خواستند که چند کلید واژه اصلی همچون «استقلال»، «نقش مردم در حکومت»، «آزادی» و «نفی نظام سلطه» را فراموش نکنند و آنها را به درستی تبیین کنند.

### ۴. فکر و عمل توأمان افسران جنگ نرم

وقتی درباره‌ی وضعیت «آتش به اختیار» سخن می‌گوییم، باید بدانیم که این فرمان ناظر به چه کسی صادر شده است؟ مخاطب صریح این کلام کیست؟

بر اساس اندیشه‌ی حضرت امام خمینی رحمه‌الله و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، وقتی از مأموریت‌های نظام اسلامی سخن می‌گوییم به تعبیر مشترک کلیدی و مهمی می‌رسیم با عنوان «فتح‌الفتوح انقلاب اسلامی»: «امام بزرگوار ما در یک حادثه‌ی مهم جنگی در قضیه‌ی یک عملیات که پیروزی‌ای به دست رزمندگان آمده بود، یک پیامی دادند؛ در آن پیام این نکته وجود داشت که فتح‌الفتوح انقلاب اسلامی، تربیت این جوانهاست.»

امروز این جوانان تربیت‌شده، این «جوانهای دانشجو و افسران جوان جنگ نرم»، در شرایطی که «جمهوری اسلامی و نظام اسلامی با یک جنگ عظیمی -جنگ نرم- مواجه است» باید به میدان بیایند: گفتیم افسران جوان جنگ نرم؛ نگفتیم سربازان، چون سرباز فقط منتظر است که به او بگویند پیش، برود جلو؛ عقب بیا، بیاید عقب؛ یعنی سرباز هیچ‌گونه از خودش تصمیم‌گیری و اراده ندارد و باید هر چه فرمانده میگوید، عمل کند. نگفتیم هم فرماندهان طراح قرارگاه‌ها و یگانهای بزرگ، چون آنها طراحیهای کلان را میکنند. افسر جوان در صحنه است؛ هم به دستور عمل میکند، هم صحنه را درست میبیند؛ با جسم خود و جان خود صحنه را می‌آزماید. لذا اینها افسران جوانند؛ دانشجو نقشش این است. حقیقتاً افسران جوان، فکر هم دارند، عمل هم دارند، تو صحنه هم حضور دارند، اوضاع را هم میبینند، در چهارچوب هم کار میکنند.

### ۵. دشمن به سراغ سنگرهای معنوی می آید

در بحث فرمان «آتش به اختیار به جوانان و افسران جنگ نرم» نکته‌ی دوم این است که باید توجه کنیم این فرمان در چه فضای کلی و شرایطی مطرح شده است؟ به تعبیر رهبر انقلاب: «جنگی که وجود دارد، از جنگ نظامی اگر خطرش بیشتر نباشد، کمتر نیست... در جنگ روانی و آنچه که امروز به او جنگ نرم گفته میشود در دنیا، دشمن به سراغ سنگرهای معنوی می‌آید که آن‌ها را منهدم کند؛ به سراغ ایمان‌ها، معرفت‌ها، عزم‌ها، پایه‌ها و ارکان اساسی یک نظام و یک کشور؛ دشمن به سراغ این‌ها می‌آید که این‌ها را منهدم بکند و نقاط قوت را در تبلیغات خود به نقاط ضعف تبدیل کند؛ فرصت‌های یک نظام را به تهدید تبدیل کند.» جنگی که ابزارهای خاص خودش را دارد: «جنگ به‌وسیله‌ی ابزارهای فرهنگی، به‌وسیله‌ی نفوذ، به‌وسیله‌ی دروغ، به‌وسیله‌ی شایعه‌پراکنی؛ با ابزارهای پیشرفته‌ای که امروز وجود دارد، ابزارهای ارتباطی‌ای که ده سال قبل و پانزده سال قبل و سی سال قبل نبود، امروز گسترش پیدا کرده.»

### ۶. آتش به‌اختیار الزامات اجرایی فرمان

برای فهم درست فرمان و کلیدواژه «آتش به‌اختیار» باید به سایر الزامات این فرمان فرمانده در مواجهه با کاستی‌ها و ضعف‌ها توجه کرد و همه فرمان‌ها را در کنار هم در دستور کار قرار داد

#### ۱- مستقل عمل کردن

منظور از آتش به‌اختیار آن است که هر فرد و گروهی برای عمل به تکلیف، منتظر دیگری نماند و «مستقل» عمل کند و این یعنی کلکم راع و کلکم مسئول؛ آنجا که رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: من به همه‌ی آن هسته‌های فکری و عملی جهادی، فکری، فرهنگی در سرتاسر کشور مرتباً می‌گویم: هر کدام کار کنید؛ مستقل و به‌قول میدان جنگ، آتش به‌اختیار

#### ۲- انقلابی عمل کردن

منظور از آتش به‌اختیار آن است که هر فرد و گروهی برای عمل به تکلیف، «انقلابی» عمل کند و انقلابی‌گری هم با تندروی در تضاد است؛ آنجا که رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: انقلابی‌گری بر خلاف نظر و تبلیغ برخی‌ها، تندروی نیست بلکه انقلابی‌گری یعنی عادلانه، خردمندانه، دقیق، دلسوزانه، منصفانه، قاطعانه و بدون رودربایستی عمل کردن

#### ۳- قانون‌گرایی

منظور از آتش به‌اختیار آن است که هر فرد و گروهی برای عمل به تکلیف، باید قانون را سرلوحه خود قرار دهد و خلاف قانون را خلاف شرع بداند و آنجا که پای قانون به وسط می‌آید تمکین ننماید و بداند که قانون باعث اصلاح و پیشرفت است؛ آنجا که رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «من از جوانان انقلابی و مؤمن و غیور حمایت می‌کنم؛ منتها همه را توصیه می‌کنم به این که در رفتار خود، با اخلاق اسلامی رفتار کنند؛ قانون را مراعات کنند. همه باید قانون را مراعات کنند. تجسم انقلاب در قانون جمهوری اسلامی است.»

#### ۴- تدین و تعبد

منظور از آتش به‌اختیار آن است که هر فرد و گروهی برای عمل به تکلیف، باید «تدین و تعبد» را در عمل و گفتار رعایت کند و بداند هدف وسیله را توجیه نمی‌کند و نباید با هر ابزاری غیرشرعی به دنبال اصلاح باشد و خدا را ناظر بر اعمال خود بداند؛ آنجا که رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: توصیه‌ی دیگر هم مسئله‌ی تدین و تعبد در عمل و گفتار است؛ یعنی واقعاً وقتی که انسان برطبق تکلیف عمل نمی‌کند، تعبد را رها می‌کند، خدای متعال هدایتش را از او می‌گیرد.

#### ۵- نگاه نقادانه و آرمان‌گرایانه

منظور از آتش به‌اختیار آن است که هر فرد و گروهی برای عمل به تکلیف، باید نگاه «نقادانه و آرمان‌گرایانه» داشته باشد و همواره به دنبال بیان کاستی‌ها و کجی‌ها و اصلاح نقص‌ها برای تحقق آرمان‌ها باشد؛ آنجا که رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: نفس این نگاه نقادانه را من صددرصد تأیید می‌کنم. من می‌گویم این نگاه نقادانه و دغدغه‌مند، از دانشجو و محیط دانشگاه نباید گرفته بشود. هم نقادانه، هم آرمان‌گرایانه؛ باید دنبال آرمانها باشند. روی کاستی‌ها و کژی‌ها علامت سؤال بگذارند؛ دانشجو

باید کاستی‌ها را ببیند، کجی‌ها را ببیند، عیوب را ببیند و سؤال کند. حالا ممکن است طرف، برای جواب ندادن به این سؤال یک عذر موجهی داشته باشد، لکن این موجب نمی‌شود که شما سؤال نکنید؛ شما سؤال کنید. روحیه‌ی سؤال کردن، امر به معروف، نهی از منکر، مطالبه‌ی جدی آرمانها و ارزشها در دانشجو، روحیه‌ی قابل قبول است.

۶- نباید صرفاً منتظر نظر رهبری بود

منظور از آتش به اختیار آن است که هر فرد و گروهی برای عمل به تکلیف، «نباید صرفاً منتظر نظر رهبری باشد» و ببیند رهبر انقلاب در مورد مسائل مختلف چه موضعی می‌گیرد و بعد تبعیت کند اما مسلماً با اعلام نظر رهبری قطعاً حجت بر همگان روشن و فصل الخطاب خواهد بود؛ آنجا که رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «این تصور صحیحی نیست که مواضع آحاد مردم از جمله دانشجویان که جزو قشرهای پیشرو هستند، باید الگو گرفته و برگردان نظرات رهبری باشد. نباید این‌گونه تصور شود که همه باید منتظر بمانند تا رهبری، ابتدا موضع خود را درباره یک شخص و یا یک سیاست اتخاذ کند و بقیه بر همان اساس موضع‌گیری کنند»

۷- تذکر لسانی

منظور از آتش به اختیار آن است که هر فرد و گروهی برای عمل به تکلیف، نهایتاً مکلف به «تذکر لسانی» هستند و این نوع برخورد می‌تواند به اشکال مختلف تجمع، بیانیه، مطالبه عمومی، همایش، سخنرانی و ... خلاصه شود و هرگز وظیفه افراد فراتر از نهی از منکر زبانی نخواهد بود؛ آنجا که رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: بعضی خیال می‌کنند تا منکری دیده شد، باید با مشت به سراغش بروند! نه ما سلاحی داریم که از مشت کارگرت‌تر است. آن چیست؟ سلاح زبان. زبان از مشت خیلی کارگرت‌تر و نافذتر و مؤثرتر است؛ مشت کاری نمی‌کند.

۸- پرهیز از رفتارهای قهرآمیز

منظور از آتش به اختیار آن است که هر فرد و گروهی برای عمل به تکلیف، باید «بدور از رفتارهای قهرآمیز» به دنبال اصلاح جامعه باشد و هرگونه تصمیم، اقدام و مجازاتی نباید شامل برخوردهای عملی و تخریبی باشد و این نوع برخوردها صرفاً در اختیار حکومت است و لاغیر؛ آنجا که رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «هیچ چیزی مجوز این نیست که بگویند چون نیروی انتظامی و قوه قضاییه عمل نکردند، خودمان وارد میدان شدیم؛ نخیر، آن روزی که لازم باشد مردم برای حادثه‌ای خودشان وارد عمل شوند، رهبری صریحاً به آنها خواهد گفت.»

## ۷. معنای آتش به اختیار

آتش به اختیار، اصالتاً تعبیری نظامی است و البته می‌دانیم که استفاده از تعبیر نظامی در زبان طبیعی، گاه بسیار پرکاربرد است (مثل واژه‌ی راهبرد، جبهه و...). وقتی این تعبیر در فضای فرهنگی و عمومی جامعه طرح می‌شود، معنایی استعاری می‌یابد و نشانگر وضعیتی است که در نظام هماهنگی و کنش فرهنگی جامعه (از لایه‌ی مسئولین تا فعالان فرهنگی در سطح جامعه) اختلال به وجود آمده است. اگر بخواهیم بر اساس همان فضای معنایی مبدأ در این استعاره - که فضایی نظامی است - سخنی دقیق‌تر بگوییم، در ادبیات نظامی، فرایند تدبیر و هماهنگی و فرماندهی در سه سطح راهبردی (استراتژیک)، عملیاتی و تاکتیکی طرح می‌شود و اختلال در قرارگاه عملیاتی، زمینه‌ای برای اعلام شرایط آتش به اختیار برای نیروهای تاکتیکی خواهد بود.

نکته‌ی مهم این است که در این شرایط (یعنی آتش به اختیار)، ارتباط میان سطح راهبردی و تاکتیکی قطع نیست؛ یعنی نیروهای انقلابی و افسران جوان جنگ نرم می‌دانند که دشمن کیست، مسیر مقابله با آن چگونه است، اصلی‌ترین روش‌های دشمنی چیست، مهم‌ترین ابزارها و محمل‌های دشمن کدامند، برای انسجام درونی چه باید کرد، مهم‌ترین معارف، باورها و توصیه‌ها (منظومه‌ی فکری اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله و مکتب امام خمینی رحمه‌الله) که نیروها باید می‌دانسته‌اند، به آن‌ها گفته شده است و به‌طور خلاصه، نیروهای انقلابی در شرایط حرکت در دالان تاریک نیستند و با وجود غبارهای فتنه، می‌دانند که جهت علم‌های مقتدایشان در کدام سمت‌وسو است.

## ۸. مهم‌ترین اولویت اقدام

وقتی افسر جوان جنگ بخواهد در عرصه‌های مختلف به صورت «آتش به اختیار» عمل کند، برای انتخاب تاکتیک مناسب باید اولویت عملیات خود را بشناسد و مسائل اصلی و فرعی محور خود را به درستی شناسایی کند؛ زیرا از زمینه‌های صدور فرمان «آتش به اختیار» اساساً همین جابه‌جایی اصلی‌ها و فرعی‌ها است. در شرایط تهاجم و نفوذ نرم دشمن، غفلت مسئولان و «اصلی - فرعی نکردن امور» و عدم شناخت درست از اولویت‌ها برای اقدام، مایه‌ی آسیب‌های گسترده در ابعاد ملی است. این عدم تشخیص صحیح در شرایطی که «دستگاه محاسباتی مسئولان نظام اسلامی» دچار اختلال می‌شود، ابعاد و عمق گسترده‌تری می‌یابد و هزینه‌های فراوانی را بر انقلاب و کشور تحمیل می‌کند.

## ۹. الزامات رسیدن به تصمیم درست در شرایط آتش به اختیار

اگر نیروهای انقلابی و افسران جنگ نرم در شرایط «آتش به اختیار»، بخواهند به تصمیم‌های درست برسند لازم است به نکات مهم زیر توجه کنند:

### توجه به اصول فکری امام و انقلاب اسلامی

نیروهای انقلابی، اندیشه و عمل حضرت امام خمینی (رحمه‌الله) و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را گزاره‌هایی دینی می‌دانند که بر اساس روش اجتهادی از منابع دینی برداشت شده‌اند. مهم‌ترین آفت در برخورد با این گزاره‌ها «تحریف» آن است؛ و راه مقابله با این آفت نیز برخورد اجتهادی با اندیشه‌ی امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای، هم در مرحله‌ی شناخت اصول و هم در مرحله‌ی اقدام است: «آن راهی که میتواند مانع از این تحریف بشود، بازخوانی اصول امام است. امام یک اصولی دارد، یک مبانی‌ای دارد؛ این مبانی در طول ده سال دوران حاکمیت اسلامی و پیش از آن در طول پانزده سال دوران نهضت، در بیانات گوناگون بیان شده است؛ اصول امام را در این بیانات می‌شود پیدا کرد؛ این اصول را، این خطوط را کنار هم که بگذاریم، یک شاکله‌ای از امام بزرگوار تشکیل خواهد شد؛ شخصیت امام این است. این اصول را امام در بیانات خود تکرار کرده است؛ این اصول را گزینشی هم نیابستی انتخاب کرد.» و البته مهم‌ترین اصول فکری حضرت امام (رحمه‌الله) نیز توسط رهبر انقلاب تبیین شده است: «اسلام ناب محمدی و نفی اسلام آمریکایی»، «اتکال به کمک الهی، اعتماد به صدق وعده‌ی الهی و در نقطه‌ی مقابل، بی‌اعتمادی به قدرتهای مستکبر و زورگوی جهانی»، «اعتقاد به اراده‌ی مردم و نیروی مردم و مخالفت با تمرکزهای دولتی»، «طرف‌داری جدی از عدالت اجتماعی و حمایت از محرومان و مستضعفان و مخالفت با نابرابری و اشرافیگری»، «مخالفت و مبارزه با قدران بین‌المللی و مستکبران و حمایت از مظلومان و جبهه‌ی مقاومت»، «توجه به استقلال کشور و ردّ سلطه‌پذیری» و «توجه به وحدت ملی و مقابله با توطئه‌های تفرقه‌افکن».

### توجه به عقلانیت انقلابی

در اندیشه‌ی رهبر انقلاب، مهم‌ترین تعبیری که در تقابل معنایی با عقلانیت انقلابی قرار دارند، محاسبه‌ی محافظه‌کارانه، قشری‌گری، تحجر، اسیر اوهام و تخیلات خود شدن و سازشکاری (با دشمن) است؛ بنابراین در شرایط آتش به اختیار، هیچ‌کدام از نیروهای انقلابی به این ورطه‌ها درنخواهند افتاد. همچنین توجه به «حکمت» و به کار گرفتن خرد و تدبیر و فکر و محاسبات و کار کارشناسی، مطالعه‌ی درست، ملاحظه‌ی جوانب و آثار و تبعات یک اقدام و حتی گاهی ملاحظه‌ی تبعات یک اظهارنظر - از مهم‌ترین بایسته‌ها در شرایط آتش به اختیار و مبتنی بر عقلانیت انقلابی است.

### نظم و قانون‌گرایی

در اندیشه‌ی رهبر انقلاب، نظام اسلامی با معماری حضرت امام خمینی (رحمه‌الله) و با توجه به چهار عنصر کلیدی بنیاد گرفته است: «اسلام، مردم، قانون‌گرایی و دشمن‌ستیزی»؛ و اهمیت قانون‌گرایی در نظام اسلامی، در چنین سطحی قابل طرح است؛ یعنی با بی‌توجهی به قانون در نظام اسلامی، گویی یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی و حضرت امام خمینی (رحمه‌الله) بی‌اهمیت انگاشته شده است: «هنوز از پیروزی انقلاب دو ماه نگذشته بود که امام همه‌پرسی درباره‌ی نظام اسلامی را اعلان کرد، که مردم به نظام جمهوری اسلامی رأی دادند. چند ماه از پیروزی انقلاب نگذشته بود که امام گفت باید قانون

اساسی نوشته شود... هنوز یک سال از پیروزی انقلاب نگذشته بود که مردم در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کردند؛ بعد از مدت کوتاهی هم مجلس شورای اسلامی به راه افتاد؛ بنابراین از اول، مبنای کار انقلاب بر نظم و قانون بود... این انقلاب، مظهر نظم و قانون بود... این را باید مغتنم شمرد. پایبندی به نظم و قانون و مسئولیت‌های قانونی قوا باید مورد احترام همه باشد.»

پس از بیانات رهبر انقلاب، در روزهای اخیر شاهد برداشتهایی بودیم که بیش از تمرکز بر مفهوم، متمرکز بر منطوق باشد و چه بسا حتی با معنای ظاهری کلام رهبری نیز قابل تطبیق نبود. گروهی با رویکرد تقلیل گرایانه، تأکیدات صریح رهبر انقلاب که تذکرات صریح‌تر از همیشه همراه بود، سخنان ایشان را ناظر بر فعالیت‌های حداقلی فرهنگی قلمداد کردند. بدین معنا که به سایر بندهای دیگر سخنان ایشان توجهی نکردند؛ اینکه جای اصل و فرع مساله فرهنگی جایجا شده است، اینکه در قدرت تشخیص اختلال ایجاد شده و مسائل کم اهمیت در سیاستگذاری فرهنگی جای مسائل مهم را گرفته است، مسائلی است که در رویکرد تقلیل گرایانه به سخنان رهبری به آن اشاره نشده است.

در مقابل، گروهی با رویکردی کل گرایانه، منویات رهبر انقلاب را قائل بر ورود آتش به اختیار به تمامی عرصه‌ها قلمداد کرده اند و قائلند که گویا در هر حوزه ای با هر ابزاری برای خلق هر محتوا و یا کالای فرهنگی و یا ممانعت از خلق کالایی فرهنگی اقدام نمایند. در حالی که ایداً مشی سیاسی رهبر انقلاب چنین استفاده ای از واژه آتش به اختیار را به ذهن متبادر نمی کند. آتش به اختیار بودن، اولاً در جایی است که اختلال ایجاد شده است و مرجع تصمیم گیرنده قصد برطرف کردن اختلال یا اهمیت قائل شدن برای مسائل مهم را ندارد، در چنین بزنگاهی، در چارچوب قانون، می توان در جهت امور ایجابی و آفرینش و خلاقیت های فرهنگی عمل کرد، تأکید می شود در جهت امور ایجابی و نه سلبی. چرا که برخورد و ممانعت از ایجاد یک کالای فرهنگی بر اساس قانون در چارچوب مختص به خود انجام می شود.

آتش به اختیار Weapons Free در میدان رزم در مقطعی به کار می رود که فرمانده قرارگاه، ستاد یا صف توان مدیریت نیروها و مدیریت فرمان آتش را به دلایل مختلف نداشته باشد. در واقع به طور مرسوم، وضعیت باید به شکل آتش به فرمان Weapons Hold باشد اما اگر امکان تشخیص از فرمانده میدان یا ستاد سلب شده باشد، به افسران تحت امر فرمان آتش به اختیار را می دهند و تشخیص را برعهده افسران می گذارند. «آتش به اختیار» در خطوط دفاعی و نگهبانی عمدتاً در مقابل مهاجمان ناشناس به عنوان رویکردی دفاعی کارکرد دارد. نکته دیگر اینکه فرمان «آتش به اختیار» در شرایط جنگی کارکرد دارد و در غیر این صورت فرمان آتش به احتیاط کارکرد دارد. Weapons Tight

تفاوت «آتش به احتیاط» با «آتش به اختیار» به خطیر بودن موقعیت بازمی گردد. در موقعیت آتش به احتیاط که معمولاً در صحنه های غیرجنگی کارکرد دارد، باید از دشمن بودن طرف مقابل اطمینان حاصل کرد و سپس شلیک نمود اما در وضعیت «آتش به اختیار» که خطیر بودن اوضاع را نشان می دهد و در صحنه نبرد کارکرد وسیع تری دارد، باید بیشتر جانب احتیاط را به خرج داد و برای اطمینان از حفظ جبهه خودی، برخورد محتاطانه با دشمن نداشت.

آتش به اختیار را شاید بتوان به تفسیری، همان حرکات خودجوش فرهنگی تلقی کرد که رهبر انقلاب بارها و بارها بر آن تأکید کرده اند و اکنون که ایشان خطر دشمن را در عرصه فرهنگی بیش از پیش احساس کرده اند، از تعبیری جنگی نیز استفاده کرده اند تا مسئولان و دلسوزان غیرمسئول در کشور متوجه باشند که در یک نبرد فرهنگی هستیم. حضرت آیت الله خامنه ای در تبیین مفهوم «آتش به اختیار»، خاطر نشان کردند: آتش به اختیار به معنای «کار فرهنگی خودجوش و تمیز» است و به معنای بی قانونی و فحاشی و طلبکار کردن مدعیان پوچ اندیش و مدیون کردن جریان انقلابی کشور نیست

ایشان تأکید کردند: نیروهای انقلابی و دلسوز و علاقه مند به حرکت کشور به سمت اهداف والا، بیش از همه باید مراقب حفظ نظم و قوانین و آرامش کشور و جلوگیری از سوء استفاده دشمنان باشند.

#### ۱۰. نتیجه گیری

اصل توصیه رهبری به جوانان دانشجوی به عنوان افسران جنگ نرم و نیز همه «هسته های فکری و عملی جهادی، فکری، فرهنگی» در کشور است. موضوع این دستور نیز «تلاش جدی و همه جانبه برای غلبه دادن گفتمان انقلاب» است؛ یعنی آنها

که در دانشگاه هستند این امر را در دانشگاه و آنها که در بیرون دانشگاه هستند در خارج از دانشگاه دنبال کنند نکته مهم و راهبردی این است که بعد از سخن رهبری در خصوص "آتش به اختیار"، نیروهای انقلابی نه تنها باید تلاش خود برای دعوت مردم به گفتمان انقلاب را از طرق مدنی که رهبر انقلاب بدان اشاره کرده اند (میزگرد، سخنرانی، بحث و...) بیشتر کنند، بلکه مراقبت بیشتری بر حفظ قانون داشته باشند چه آن که دشمنان نظام منتظرند تا کاری خودسرانه و فراقانونی انجام شود و فوراً آن را به این سخن رهبری نسبت دهند و سوء استفاده و صید سیاسی کنند.

مقصود از مفهوم آتش به اختیار که رهبری طرح فرمودند این است که وقتی تساهل فرهنگی و اجتماعی در غرب که باعث بی هویتی مغرب زمین شده است به شکل موریانه ای وارد جوامع اسلامی از جمله ایران اسلامی بشود تا نسل جوان را بی هویت و بی غیرت سازند و از طرف دیگر، متولیان فرهنگی میان مسایل اصلی و فرعی تشخیص ندهند و نهادهای فرهنگی را گرفتار امور فرعی کنند و نتوانند امور اصلی فرهنگی را مدیریت کنند نوبت به آتش به اختیار می رسد یعنی جوانان انقلابی و پیرو خط امام با مدیریت گروهی و هسته های فرهنگی به صورت خودجوش به نقد فرهنگ غرب بپردازند و از فرهنگ اصیل اسلامی دفاع کنند و آن را تبیین کنند و شبهات فرهنگی را پاسخ دهند پس آتش به اختیار زاییده دو عامل یعنی هجوم حداکثری دشمن فرهنگی و ضعف مدیریت فرهنگی نهادها است.

لازم به ذکر است اینگونه فعالیت‌های فرهنگی باید خودجوش، جهادی و همراه با منطق و اخلاق و رعایت قانون باشد و از قوانین حاکمیت تخطی نشود.

## مراجع

۱. بیانات در دیدار شرکت کنندگان در ششمین همایش ملی نخبگان جوان ۱۳۹۱/۷/۱۲
۲. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۸۸/۶/۸
۳. بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸/۷/۲
۴. بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور ۱۳۸۸/۴/۹
۵. بیانات در مراسم بیست و ششمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمت‌الله)؛ ۱۳۹۴/۳/۱۴
۶. بیانات در مراسم دوازدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمت‌الله)؛ ۱۳۸۰/۳/۱۴
۷. خطبه های نماز عید سعید فطر ۱۳۹۶/۴/۵
۸. سخنان رهبری در تاریخ ۱۷/۳/۹۶ در جمع برخی دانشجویان و تشکل های دانشجویی



# The Impact of the Free-to-shoot Decree of the Leader of the Islamic Republic of Iran in the Intellectual and Cultural Areas

Seyed Abbas Ghorashi

*Ph.D. candidate of political science, Islamic Azad University, Baft Branch*

---

## Abstract

The speeches of the Supreme Leader of the Revolution in 7/6/2017 among a number of students and student organizations and the important points that he mentioned during this meeting attracted much attention. What was cited by the Supreme Leader regarding the "free-to-shoot" category became particularly important, and it seems that this recommendation and opinion of the Supreme Leader needs to be specially analyzed and carefully considered. Hence, the present article has included the exact text of the Leader's statements and discussed its marginal indications.

**Keywords:** Imam Khamenei, Supreme Leader of the Islamic Revolution of Iran, free-to-shoot decree, goals of the free-to-shoot decree, soft war officers

---